

دستور جلسه: اقتصاد مرتعدار عشایری - ساختار گله و محصولات دامی

حاضرین: آقایان: دکتر ارزانی، مهندس خادمی، مهندس والی، مهندس بهزاد، مهندس مقیمی، دکتر رزاقی، خانم دکتر رضوی، خانم دکتر اژدری، آقای پهلوان، مهندس فیاض و دکتر علیرضا افتخاری.

غائبین: آقای مهندس صفرزاده، مهندس یآوری

نظرات ارائه شده در جلسه:

- با توجه به اینکه دام و محصولات حاصل از آن اصلی ترین درآمد عشایر می باشند. از اینرو پروار یک راهکار مناسب برای افزایش درآمد عشایر محسوب می گردد باید روشهای عملیاتی شدن آن برای شرایط مختلف بهره برداران مورد بحث کارشناسی قرار گیرد و راه حل روشنی برای برنامه ششم در خصوص پروار بندی بره پیشنهاد گردد.

- کشور ایران دارای نظامهای قدیمی زیادی در زمینه مرتعداری، دامداری، کشاورزی، آبیاری و ... می باشد. اما متأسفانه بیشتر در هر زمینه ای به دنبال واردات و ترویج سیستم های غربی هستیم که پس از اجرا نیز اکثر قریب به اتفاق آنها قابلیت اجرایی ندارند. چرا به دنبال اجرای سیستمهای کارا و بومی خودمان نیستیم. امروزه در قاره اروپا بازگرداندن سیستم کوچ مد نظر قرار گرفته است. عشایر معدن دانش بومی دامداری ایران هستند و حافظان مراتع. اما مدیران دولتی آنها را عامل تخریب مراتع می دانند. می توان با احیای سیستم کوچ و استفاده از دانش بومی عشایر به دامداری کشور کمک نمود. پیش قراولان در عشایر که اغلب برای تعیین میزان علف و وضعیت مرتع زودتر عازم مرتعی می شدند، یکی از نمونه های دانش بومی عشایر و نقش آنها در حفظ مراتع کشور می باشد.

- بعضی مسایل فقط روی کاغذ عنوان می شوند و قابل اجرا نمی باشد یعنی تا زمانی که سازمان جنگلها اعتقادی به اجرای آن نداشته باشد آن کار عملی نخواهد بود. نمونه آن طرح انتقال حقوق عرفی بهره برداران می باشد که در آن قرار بود به نام اقتصادی کردن بهره برداران و تغییر معیشت برخی از آنها، سیاستهایی تشویقی برای تامین بخشی از درآمدهای بهره برداران به ازای کاهش دامهای آنها تامین گردد. یعنی دامداران با کاهش تعداد دام خود مبلغی را برای جبران کاهش درآمد خود دریافت کنند. اما هم اکنون ۱۱۰ میلیارد تومان در صندوق ثبت جمع شده است زیرا دامداران مایل به حذف دام و پروانه چرای خود نمی باشند. الان از این پول به قاضی ها وام می دهند. در حالیکه اگر این پول به سیستم مدیریت مرتع کشور برگردد (بنگاه املاک مرتع) پول بسیار کلانی می باشد. الان بودجه سالانه سازمان در زمینه مرتع ۵ تا ۶ میلیارد تومان است. نمی توان جلوی توسعه را گرفت. الان نمی توان جلوی ایجاد نیروگاههای ترکیبی و پنل های خورشیدی را گرفت.

- اقتصادی بودن دامداری در درجه اول به دام و ترکیب آن و مسایل مربوط به آن بستگی دارد یعنی اساس اقتصادی کردن دامداری دام می باشد. باید با دید کلان به این موضوع نگاه کرد و کلیات این موضوع مورد بحث قرار گیرد.

- اندازه اقتصادی گله در اصل بدین معنی است که یک نفر باید چه تعداد دام داشته باشد تا دامداری او اقتصادی باشد. این موضوع به سه عامل مهم بستگی دارد اول مالکیت، دوم مدیریت و سوم تولید هر راس دام. منظور از مالکیت داشتن یا تملک تعداد دامی است که مخارج یک خانوار را تامین نماید به طور نمونه ممکن است یک خانوار به تعداد کافی و خانوار دیگر به تعداد اندک دام داشته باشند. این میزان دام در شرایط مختلف حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ میش می باشد. منظور از مدیریت، مدیریت اقتصادی یک گله است مثلاً آیا نگهداری یک گله ۴۰ راسی اقتصادی می باشد. قطعاً چنین نیست و بلکه گله اقتصادی با یک گله ۳۵۰ تا ۴۰۰ دام مولد یا عبارتی یک گله ۵۰۰ راسی تعریف می شود. با یک مدیریت گله خوب، هزینه ها کم شده و درآمدها افزایش می یابد. ۸۰ درصد گله داران (گوسفند) میانگین تعداد دامشان کمتر از این مقدار می باشد. میانگین تعداد گوسفند گله داران چیزی حدود ۱۰۰ راس می باشد. از اینرو کار این افراد در ظاهر باید غیر اقتصادی باشد در حالیکه چنین نیست. آنهایی که تعداد دام کمتری دارند اگر به شکل مشاعی تشکیل یک گله اقتصادی بدهند هزینه ها سرشکن شده و مدیریت گله اقتصادی می شود. یعنی چند گله با هم تشکیل یک گله جدید را می دهند تا هزینه به ازای هر راس دام کاهش و درآمد نیز به ازای هر راس دام افزایش یابد. از اینرو دخالت در این سیستم خسارت به بار می

آورد و هر گونه کاهش یا افزایش در این تعدا دام مدیریت گله را دچار مشکل می نماید. تعطیل کردن دامداریهای کوچک به منزله حذف ۲ میلیون شغل می باشد. نکته مهم در این قسمت این است که اگر در منطقه ای مدیریت مشاعی گله به نحویکه توضیح داده شد، وجود نداشته باشد حتما در دامداری آن منطقه دخالت کرد و با آموزش و ترویج شیوه صحیح گله داری را به آنها آموزش داد. بهداشت دامها نیز به دو شکل آشکار (مرگ و میر دام مولد و یا بره ها با میانگین ۱۵ درصد در گله های کشور) و پنهان (کنه، انگلهای گوارشی، بیماری ریوی و ...) به دامدار ضرر می زند و درصد زیادی از تولید همواره به دلیل عدم رعایت مسایل بهداشتی از بین می رود و در نتیجه دامداری را غیر اقتصادی می کند. دانش بومی دامداران در مبارزه با مشکلات بهداشتی در برخی موارد عالی و قابل اطمینان و در برخی دیگر ضعیف و غیر قابل اعتماد می باشد. مشکلات بهداشتی دام پژوهشی نمی باشد و بلکه اجرایی می باشد. مثلا همه می دانند که کنه باعث کاهش تولید دام می شود و روش مبارزه با آن داروی ضد انگل است و نیازی به پژوهش در این مورد نمی باشد. بلکه باید بخش اجرا با کنه توسط آموزش و ترویج و یا نهایتا پخش داروی ضد کنه مقابله کند. مشکل ریوی بره ها در اثر پوشاندن و گرم نگه داشتن آغل، عدم وجود تهویه در آن و در نتیجه تولید گازهای خطرناک در آغل و یا شرایط سرد بیابانی ایجاد می شود (دامداران بدون آغل). در بخش دامپزشکی بیشتر مشکلات اجرایی می باشد و سازمان دامپزشکی یک مشکل را یا نمی پذیرد و یا دیر عمل می کند (مانند بیماری پی پی آر). تب برفکی در دی ماه هشدار داده شد اما متاسفانه باز هم دیر عمل شد. آموزش بهداشت دامداری برای گله داران یک ضرورت برای افزایش تولید و اقتصادی کردن دامداری است.

- دو معضل مهم در گوسفند داری موجود است. یکی بارور شدن آخر تابستان گوسفندان و دیگری فروش اغلب بره ها با قیمت کم در اواخر اردیبهشت تا اوایل مرداد. دولت باید مدلی ارایه دهد که دامداران در این فصل بره ها را به قیمت بفروشند و دچار ضرر اقتصادی نشوند. تغییر زمان زایش برای سیستم مرتعی مناسب نبوده و با اقلیم نیز متعادل نمی باشد. در نتیجه طول دوره زایش، زمان زایش و بازاریابی در برطرف کردن این معضل مهم هستند. میش های قصر باید حذف شوند (با میانگین حضور ۱۲ درصد در گله ها). یک میش در شرایط معمولی با احتساب هزینه سرمایه و در شرایط بسته ۳۵۰ هزار تومان هزینه دارد و با زایش یک بره سالم که در وزن ۳۵ کیلوگرمی با قیمت ۱۱ هزار تومان به فروش برسی تولید ۴۰۰ هزار تومان سرمایه می کند و این یعنی درآمد منهای هزینه هر میش برابر ۵۰ هزار تومان خواهد بود. از اینرو عدم زایش یک میش یا تلف شدن یک بره درآمد ۸ میش را از بین می برد. میانگین تلفات گله داران ۱۳ درصد است از اینرو با یک محاسبه ساده در می یابیم که گله داری کاری زیان آور می باشد و از اینرو گله داران مداوم در حال حرکت به عقب هستند. برگرداندن و ثبت دانش بومی بسیار مهم است. استفاده از روشهای نوین و داروهای بهداشتی مهم است. باید بورس دامداری ایجاد شود و تعداد حلقه ها کمتر شود. با ایجاد امکانات مانند سردخانه به اقتصادی کردن دامداری کمک کرد. باید با کاهش هزینه ها و افزایش درآمد و بازاریابی صحیح و ایجاد بازارهای جدید به اقتصاد دامداری کمک نمود. باید در روند تولید از تولید گوشت یا هر محصول دیگر تا مصرف آن زنجیره مشخص باشد نه اینکه منقطع باشد و معلوم نباشد که چه شخص تولید می کند و که می خرد و که مصرف می کند. گله نرداری و پشم چینی می تواند به عنوان یک شغل در دامداری مطرح باشد.

- کارها باید ارشادی باشد نه دستوری چون مردم همواره کار را خودشان انجام می دهند. لذا دولت باید یک الگوی موفق و نمونه را ترویج کند. یکی از مشکلات مهم مراتع هندسه مراتع می باشد. یعنی مراتع کنار هم چیده نشده اند. ترتیب ییلاق، قشلاق و میان بند به هم خورده است. به عبارتی هندسه مراتع از هم پاشیده شده است. میان بند جای دامداری نمی باشد بلکه ارتباط دهنده و کاتالیزور است. درحالیکه در مراتع میان بند پروانه چرا صادر کرده اند و زنجیره های سیستم دامداری قطع شده است. اندازه اقتصادی گله مهم است. اندازه ۵۰۰ راس دام با ۴۰۰ راس دام مولد اقتصادی است و مابقی گله ها هم باید حالت چکنه تشکیل دهند تا به اندازه اقتصادی گله برسند. باید شرکتهای خدمات دامداری ایجاد شود تا مدیریت این گله های چکنه را بر عهده گیرد و همه گله ها در همه نقاط به اندازه اقتصادی برسند. در ایل بختیاری تعداد بالای قوچ یک ارزش است در حالیکه این برخلاف دامداری اقتصادی می باشد. زندگی ۵ میلیون نفر را که در کشور به مراتع وابسته هستند می توان با روشهای صحیح گله داری اقتصادی نمود. باید تعداد قوچ متناسب با تعداد میش های مولد باشد و قوچها هم باید جدا از گله نگه داشته شوند تا زمان زایش مدیریت شود.

- ۹۰ درصد زایشها در زمان زمستان صورت می گیرد و مشکلی در این ارتباط وجود ندارد بلکه مدیریت مدت زمان زایش مهم است. پیشنهاد می شود برای تنظیم بازار درصدی از زایش در خارج از زمستان انجام شود که البته دامداران مخالف با این مساله هستند زیرا

این کار هم به مرتع ضرر می زند و هم برای بره ای که ضریب تبدیل بالایی دارد مناسب نمی باشد زیرا در فصل تابستان علوفه مرغوبی وجود ندارد. دامپزشکی باید واکسن به تعداد کافی و در زمان مناسب داشته باشد و واردات دام را کنترل کند. دامها امسال از سوریه به عراق و از عراق به ایران وارد شده و از ایران به قطر صادرات می شد. در همین راستا بیماری تب برفکی نیز از عربستان به عراق و از عراق به ایران آمده است. باید تمام گله داران و گله های آنها شناسنامه دار شوند. باید تعیین شود که چه مواردی در اطلاعات شناسنامه ذکر شود از جمله اینکه این دامدار وابسته به مرتع است یا اینکه دامداری صنعتی انجام می دهد. در کشور انگلستان برای این کار از عرفها تبعیت می کنند و اگر عرفی در زمینه شناسایی دامهای دامداران (مثل گوش بریده یا خال روی گوش چپ و ...) موجود نباشد به دنبال شناسنامه دار کردن دامها با یک روش دیگر می روند. مدیریت دامداری باید جامع باشد زیرا گله باید در تمام طول مسیر که گاهی شامل چند استان می شود، مدیریت شود. در مدیریت جامع باید تمامی سازمانها و ارگانها درگیر شوند. سازمان جنگلها، امور دام، دامپزشکی، سازمان امور عشایر و ... همه باید درگیر شوند. سازمانها باید همفکر و هماهنگ باشند تا کاری را انجام دهند و در غیر این صورت مشکلات مختلفی به وجود می آید.

- برخی نهادها وام ۵۰ میلیونی به روستایی ها می دهد تا دام بخرند و این خود باعث بروز مشکلات جدید در مراتع شده است. در حالیکه ماده ۱۹ شورای امنیت ملی می گوید که مناطق آبخیز باید توسط منابع طبیعی کنترل شود تا دام مازاد وارد حوزه نشود. الگوی دامداری سنگسری یک الگوی خوب و نمونه برای کشور می باشد. باید بخش آموزش و ترویج ابتدا چیزی را به مردم آموزش دهد بعد آنها را از مردم بخواهد.

- تلفیق دانش بومی با تخصص دانشگاهی و تفاهم و فهم مشترک راه حل، حل مشکلات است. آمار تعداد دام را هنوز هم به طور یقین نداریم لذا نمی توانیم تصمیم گیری درستی داشته باشیم. زیرا مدیریت و تصمیم صحیح بر مبنای آمار درست و واقعی می باشد. شناخت برای مدیریت صحیح بسیار مهم است. یعنی باید بر اساس شناخت، برنامه ریزی کنیم. ۷۰ درصد زمینهای کشاورزی خرده مالک هستند بعد توصیه می شود که کشاورزی باید فلان باشد. این یعنی شخص یا سازمان توصیه کننده هیچ شناختی از وضع موجود ندارد و صرفا بر مبنای عدم شناخت برنامه ریزی و توصیه می کند. و چنین برنامه ها و یا توصیه هایی نه صحیح نه کاربردی و نه قابل اجرا هستند. بازگرداندن اعتماد به بهره برداران یکی از موارد مهم می باشد.

- مساله دام، اقتصاد دامداری و تشکلهای مردمی مهم است. باید خطوط کلی را مشخص کرد و به جزئیات پرداخته نشود. زیرا جامعه خودش جزئیات را درست می کند. اگر کار و سیاست فعلی سازمان جنگلها به نتیجه نمی رسد قطعاً خطوط کلی آن ایراد دارد و باید اصلاح شود. در این جلسات باید خطوط کلی برای سازمانهای درگیر با مردم و تشکلهای مانند سازمان جنگلها و یا سازمان امور عشایر بحث شود. باید مراقب بود که تشکلهای از مسیر اصلی خود خارج نشوند. ساختار تشکلهای و اساسنامه آن نیز باید بررسی شود زیرا با ساختار فعلی امکان واگذاری برخی وظایف به این تشکلهای وجود ندارد لذا باید با همفکری مناسب ترین تشکلهای باید شناخته شوند. جامعه عشایر متفاوت از جامعه روستا می باشد. مثلاً بحث کوچ که بسیار پیچیده و مهم است اصلاً در دامداری روستایی نقشی ندارد.

- در بحث انتخاب دام برای ساختار گله موارد زیر مهم هستند اول اینکه عمر مفید یک میش ۵ بار زایش می باشد. که در این زمان نزدیک به ۷ سال سن دارد. یک گله با ۴۰۰ راس میش مولد (زیرا هر میش ۵ شکم عمر دارد $5 \times 80 = 400$) نیاز به ۸۰ بره پشتیبان دارد. البته تعداد ۱۰ بره نیز به عنوان جبران تلفات نگهداری می شوند. زیرا هر ساله ۷۰ تا ۸۰ راس میش بر اساس معیارهای حذف میش، حذف می شوند. معیار های حذف میش شامل دندان، سابقه بیماری، عدم سازگاری (لاغری در زمستان و ضعف بدن) و شیر ندادن میش می باشد. یک قوچ برای هر ۲۰ راس میش لازم می باشد.

- مصرف پشم کاهش یافته است. کیفیت پشم هم در مواردی که دام را با پشم به کشتار می برند، پایین آمده است. باید موارد مصرف پشم را ایجاد و به دنبال بازارهای جدید برای آن باشیم. نژادهای دامی در تعیین کیفیت پشم مهم هستند. جدا از پشم می توان از لانولین موجود در پشم (چربی پشم) هم در صنایع آرایشی- بهداشتی استفاده نمود. پشم زیر سینه گوسفند مرغوب است و کشور ایتالیا خواهان آن می باشد. برای چنین مواردی می توان سرمایه گذاری نمود. تولید پشم در مرتع یک سرمایه بلا استفاده است. فرش دستی بهتر از فرش های ماشینی با الیاف نفتی می باشد. زیرا الیاف فرش دستی طبیعی و ارگانیک است و برای بدن هیچ ضرری ندارد. سالی

۲۵ هزار تن پشم تولید می‌شود. بسیاری از آنها دور ریخته می‌شوند و قیمت هر کیلوگرم پشم مرغوب سفید رنگ و شسته شده ۱۲۰۰ تومان می‌باشد.

در موارد زیر اعضای حاضر در جلسه اتفاق نظر داشتند:

۱- مدیریت به سمت کوتاه کردن دوره زایش و افزایش همزمانی زایش در گله، افزایش بهره‌وری گله از طریق کاهش هزینه‌های ناشی از نگهداری دام قصر با خارج کردن آنها از گله و عرضه به بازار مصرف، توجه خاص به بهداشت دام از بدو تولد بره تا زمان حذف شدن دام از گله، کاهش قوچ‌مازاد در گله، کاهش سرانه هزینه دام با ایجاد گله‌های اقتصادی

۲- ایجاد و تقویت شرکتهای خدمات دام برای مدیریت گله‌ها، شناسنامه دار کردن دامداران و دامهای آنها و ایجاد بانک اطلاعات دام و دامدار، بازاریابی و ایجاد بازار جدید، مدیریت جامع دام

۳- توجه به دانش بومی و آموزش و ترویج در اقتصادی کردن دامداری مهم است.

۳- شناخت شرایط برای مدیریت صحیح بسیار ضروری می‌باشد. باید خطوط کلی در زمینه‌های مختلف ترسیم شود تا مسیر و هدف مشخص باشد. بسیاری از مشکلات اجرایی و نیاز به پژوهش ندارد با اصلاح سیستمهای مدیریت در چارچوب برنامه‌ای کآمد می‌تواند بسیاری از مشکلات را با کمک مردم مرتفع کرد. از جمله خسارت‌های ناشی از عدم رعایت اصول بهداشتی در مدیریت گله

۴- پشم یک سرمایه بلا استفاده در مرتع است که هدر می‌رود باید آسیب شناسی شود و با ارائه راه حل منجر به درآمد بیشتر دامداران شود.

والسلام.